

امکان سنجی قاعده‌انگاری «أفضل الأعمال أحمزها» در فقه امامیه

مرتضی رحیمی^۱ | فرامرز فخرمعانی^۲

۱. دانشیار، بخش فقه و حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. رایانامه: mrahimi@shirazu.ac.ir

۲. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری تخصصی فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

رایانامه: faramarz.fakhremaani@hafez.shirazu.ac.ir

چکیده

حدیث «أفضل الأعمال أحمزها» به گونه‌ی مرسل در مصادر امامیه وارد شده است، شهرت عملی دارد و در ابوابی از عبادات به کار برده شده است. هدف پژوهش آن است تا به دو پرسش پاسخ داده شود: نخست این که حدیث یادشده را می‌توان قاعده‌ای فقهی دانست؟ همچنین، نسبت آن با دو قاعده نفی حرج و نفی ضرر چیست؟ به‌رغم استنادات صورت گرفته به حدیث مزبور، تاکنون به عنوان قاعده مستقل فقهی بررسی نشده است و نوآوری پژوهش پیش‌رو در قاعده‌انگاری آشکار می‌شود. با مراجعه کتابخانه‌ای به منابع معتبر اسلامی و بهره‌گیری از شیوه توصیفی - تحلیلی از گونه‌ی اجتهادی، یافته‌ها حاکی از آن است که شهرت عملی حدیث جابر ضعیف آن است و همانند قاعده‌ای فقهی در ابواب گوناگون عبادات، مستند اثبات استحباب عبادات دشوار و ترتب ثواب بر مقدمات واجبات نفسی قرار گرفته است. همچنین، مطلوبیت عبادات حرجی از قاعده «أفضل الأعمال أحمزها» قابل استفاده است، زیرا قاعده نفی حرج امتنانی بوده و شارع تنها وجوب عبادات حرجی را از دوش بندگان برداشته است، اما صحت آن برداشته نشده است. لکن برای اثبات صحت یا مطلوبیت عبادات ضرری، این قاعده قابل استناد نیست، زیرا ضرر منفی و منهی شارع نمی‌تواند مقرب باشد.

کلیدواژه‌ها: احمزیت، افضلیت، حرج، ضرر، قاعده.

مقدمه

به طور کلی پایه‌ریزی تکالیف واجب شرعی از جمله مواردی است که مصلحت انسان در تحمل دشواری‌های تکالیف است. (مجلسی اول، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۴۸۷) دشواری امری ذاتی در واجبات عبادی است و این گونه دشواری‌ها در عباداتی همچون جهاد، حج، روزه، امر به معروف و نهی از منکر بسیار نمودار است. (کاشانی، ۱۴۲۳ق، ج ۴، ص ۲۹۰) گذشته از این که واجبات به صورت عام بر سختی‌ها پایه‌ریزی شده است، حدیث نبوی مشهور «أفضل الأعمال أحمزها» مرسله‌ای است که در منابع روایی نقل شده و در برداشت‌های فقهی به گونه‌ای ویژه برای اثبات استحسان و استحباب تحمل دشواری‌های عبادات مورد استناد قرار گرفته است. البته گذشته از این که اندازه دشواری عبادات با یکدیگر متفاوت است، اندازه دشواری هر عبادت نیز با گوناگونی چهار متغیر احوال، اشخاص، ازمه و امکنه گوناگون می‌شود. رویه تشریع احکام اسلامی، بر پایه آسان‌گیری شارع بر بندگان می‌باشد که آیات و روایات بسیاری بر این دلالت دارند؛ اما، گاه به جهت وجود مصالح نفس‌الامری، شارع گونه‌ای دشواری و سختی را در جعل احکام برگزیده و نبوی مشهور «أفضل الأعمال أحمزها» از مواردی می‌باشد که در راستای این راهبرد ابلاغ شده است. (حسینی شیرازی، سید محمد، ۱۴۲۱ق، ج ۱۱، ص ۸) باید توجه داشت این راهبرد با حکمت الهی سازگار بوده و در حقیقت برای تقویت روح و جسم انسان‌ها می‌باشد. از دیگر فلسفه‌های جعل تکالیف و حسن دشواری را در نگاهی عرفانی به آن، پاکسازی دل، خودسازی و مجاهدت با نفس سرکش دانسته اند. (آملی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۲۷۴؛ عاملی، بی تا، ص ۲۸؛ کاشانی، ۱۳۸۳، صص ۲۶۱ و ۲۶۲) تحمل سختی‌ها و دشواری‌ها گامی برای پیمودن راه بندگی دانسته شده است. (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۴، ص ۱۹۶)

اثبات حدیث «أفضل الأعمال أحمزها» به مثابه یک قاعده فقهی می‌تواند در مسائل گوناگونی از فقه عبادی، نقش چشمگیری داشته باشد و حکم شرعی استحباب را برای اعمال دشوار اثبات نماید. فقیهان امامیه در ابواب گوناگون عبادات برای اثبات استحباب به آن استناد نموده اند؛ برای نمونه، در باب طهارت برای استحباب وضو و غسل در زمستان یا سرما، (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۶، ص ۶؛ بهاء‌الدین عاملی، بی تا، ص ۴۵ و ۱۳۹۰ق، ص ۲۶۰؛ مجلسی اول، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۴۰ و ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۸۹؛ مجلسی دوم، ۱۴۱۰ق، ج ۷۹، ص ۲۲۸ و ۱۴۰۴ق، ج ۷، ص ۱۰۵) در باب حج برای استحباب حج پیاده، (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۱۲۰؛ اشکوری، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۱۷۹؛ جرجانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۴۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۷۰؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۲۶۵) در باب صیام برای استحباب روزه در برخی مکان‌ها به دلیل سختی، (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۱، ص ۳۵۰) در باب نذر برای استحباب نذور دارای دشواری در انجام، (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۶۷) به حدیث یادشده استناد نموده اند.

پرسش اصلی پژوهش آن است که «آیا حدیث «أفضل الأعمال أحمزها» را می‌توان به مثابه قاعده‌ای فقهی دانست که در همه ابواب عبادات جاری باشد؟»

فرض پژوهش پیش رو این است که اولاً حدیث «أفضل الأعمال أحمرها» تنها در باب عبادات به کار برده شده است. ثانیاً کلی بودن، تعارض با ادله احکام و امضای شارع سه ویژگی قواعد فقهی است. ثالثاً قاعده نفی حرج، بر خلاف قاعده نفی ضرر، تنها حکم تکلیفی وجوب را برداشته است؛ اما، حکم وضعی صحت را بر نداشته است. غرض پژوهش پیش رو آن است که اثبات نماید حدیث «أفضل الأعمال أحمرها» در جایگاه قاعده‌ای فقهی می‌تواند در ابواب گوناگون عبادات، مستند اثبات استحباب عبادات دشوار و ترتب ثواب بر مقدمات واجبات نفسی قرار بگیرد. همچنین، مطلوبیت عبادات حرجی به وسیله آن ثابت گردد.

با مراجعه کتابخانه‌ای به منابع معتبر اسلامی و با بهره‌گیری از شیوه توصیفی - تحلیلی، مقاله در پنج عنوان اصلی تنظیم شده است. عنوان نخست به مفهوم‌شناسی لغوی و اصطلاحی واژگان موجود در حدیث، قاعده و اقسام آن و عنوان دوم به واکاوی سندی و دلالتی حدیث و در عنوان سوم امکان‌سنجی قاعده‌انگاری صورت پذیرفته و ویژگی‌های قواعد فقهی بر حدیث منطبق شده و از دلیل‌های چهارگانه کتاب، سنت، اجماع و عقل برای اثبات آن بهره گرفته شده است. عنوان چهارم به بیان مستثنیات قاعده پرداخته و در عنوان پنجم جایگاه قاعده در برداشت‌های فقهی مورد بررسی قرار گرفته است.

یافته‌های نگارندگان حاکی از کارایی حدیث نبوی مشهور یادشده در زمینه اثبات احکام وضعی و تکلیفی است. این گونه که صحت عبادات حرجی و استحباب امتثال از آن برداشت می‌شود. افزون بر این می‌توان حدیث را به مانند یک قاعده کلی فقهی دانست که در ابواب گوناگون عبادات کارگشا باشد. البته حدیث در جایگاه بیان حکم وجوب نیست و از آن تنها استحباب مستفاد است.

پیشینه پژوهش

درباره زمینه‌های قبلی تحقیق باید گفت، مقالاتی مرتبط با حدیث «أفضل الأعمال أحمرها» وجود دارند که هیچ کدام با موضوع پژوهش پیش رو هم‌پوشانی ندارند؛ زیرا، هیچ یک از آن‌ها به قاعده‌انگاری حدیث یادشده و ارتباط آن با قواعد فقهی نفی حرج و نفی ضرر و ... اشاره نکرده اند؛ حال آن که غرض نگارندگان مقاله پیش رو آن است تا افزون بر تبیین این گزاره به عنوان یک قاعده فقهی مستقل در فقه امامیه که پیش‌تر به عنوان حدیثی مرسل در مصادر فقهی امامیه مورد استناد قرار گرفته و کم‌تر حیثیت قاعده بودن آن مورد توجه قرار گرفته است، به ارتباط‌سنجی میان آن و دو قاعده فقهی نفی حرج و نفی ضرر نیز پرداخته شود. از جمله مقالات مرتبط:

۱. مقاله «اعتبارسنجی و نقد کارکردهای افضل الاعمال در منابع فریقین» از میثم کهن ترابی؛ نویسنده در مقاله به کارکردهای حدیث مزبور در منابع فقهی و کلامی فریقین و نقدهای وارد بر آن اشاره کرده و از حیث سندی و دلالتی

حدیث را واکاوی مفصلی نموده، به نقد کارکردهای فقهی آن پرداخته است؛ اما، عموم دلالت آن بر استحباب عبادات را نپذیرفته است (کهن‌ترابی، ۱۴۰۳).

۲. مقاله همایشی «معیار حقیقی شناخت افضل اعمال از منظر روایات» از علی محمد میرجلیلی و فاطمه محمدآبادی. نویسندگان در این مقاله ضمن اشاره مختصر به حدیث مزبور بیان داشته اند که بهترین تفسیر افضل اعمال، داشتن نیت خالص در اعمال است (میرجلیلی؛ محمدآبادی، ۱۳۹۶).

۳. مقاله «روایات تفضیل در اصول الکافی هم‌ساز یا ناسازگار» از حسن نقی زاده و فاطمه کرمی. نویسندگان در مقاله روایات نقل شده پیرامون مبحث «تفضیل» در اصول کافی را بررسی کرده و اشاره نموده اند که این روایات با هم ناسازگار نیستند (نقی زاده؛ کرمی، ۱۳۹۱).

۴. مقاله «پژوهشی در صحت انجام فعل حرجی» غرض نگارندگان اثبات صحت فعل حرجی و بطلان فعل ضرری است و به روشن‌گری «أفضل الأعمال أحیها» به مثابه قاعده فقهی مستقل پرداخته اند (بهمن‌پوری؛ صابری، ۱۳۹۱).

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. معنای لغوی و اصطلاحی قواعد

واژه «قواعد» جمع مکسر واژه «قاعده»، در لغت به معنای پایه، ریشه و قواعد بنا آمده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۲۶؛ واسطی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۲۰۱) اصل معنای لغوی آن به ثبوت و استقرار در یک مکان باز می‌گردد. (ابن فارس، بی تا، ج ۵، ص ۱۰۸)

در اصطلاح، قاعده فقهی حکم کلی فرعی است که در ابواب مختلف فقه بر موارد جزئی منطبق می‌شود؛ مانند قاعده صحت که هر جا در صحت عمل فردی شک شود، حکم به صحت عمل می‌شود. (ایروانی، باقر، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۱۳؛ شهید اول، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۳؛ عبداللهی، ۱۳۸۸، ص ۱۶؛ فاضل لنکرانی، ۱۳۸۳، ص ۱۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۲۳؛ موسوی، ۱۳۹۲، ص ۶)

۲-۱. اقسام قواعد فقهی

از نگاه امامیه در دسته‌بندی قواعد فقهی نمی‌توان به تقسیم واحدی دست یافت؛ زیرا، هر کس قواعد فقهی را از جهتی تقسیم کرده است. (بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۱، صص ۴ و ۵)

دسته‌بندی زیر قواعد را از رهگذر کاربرد تقسیم نموده است.

۱. قواعدی که به باب ویژه‌ای از ابواب فقه اختصاص ندارند؛ بلکه در همه ابواب فقهی قابلیت جریان دارند؛ مانند قواعد نفی ضرر، نفی حرج، قرعه و صحت. (ایروانی، باقر، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۱۷؛ قابل، ۱۳۹۰، صص ۴۹ و ۵۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۱، صص ۲۶ و ۲۷)

۲. قواعدی که تنها به ابواب معاملات به معنای اخص آن اختصاص دارند و در غیر از این ابواب جاری نمی‌شوند؛ مانند قاعده تلف در زمان خیار، قاعده ما یضمن و ما لا یضمن و قاعده عدم ضمان امین. (ایروانی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۱۷؛ قابل، ۱۳۹۰، صص ۴۹ و ۵۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۱، صص ۲۶ و ۲۷)

۳. قواعدی که تنها به ابواب عبادات اختصاص دارند؛ مانند قواعد لا تعد، تجاوز و فراغ. (ایروانی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۱۷؛ قابل، ۱۳۹۰، صص ۴۹ و ۵۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۱، صص ۲۶ و ۲۷)

۴. قواعدی که برای کشف موضوعات خارجی موجود در ادله احکام ایجاد شده اند؛ مانند قواعد حجّیت بینّه، حجّیت قول ذی الید و کفایت یا عدم کفایت قول یک عادل در موضوعات. این قواعد همانند اماراتی هستند که در باب احکام به آن‌ها استناد می‌شود. تفاوت این قواعد و امارات در آن است که امارات برای کشف احکام کلی ایجاد شده اند؛ اما، قواعد فقهی برای کشف موضوعات احکام قرار داده شده اند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۲۶)
از دسته‌بندی دیگری قواعد فقهی به دو دسته منصوبه و اصطیادیه تقسیم می‌شوند. (عبداللهی، ۱۳۸۸، ص ۱۵۸؛ فاضل لنکرانی، ۱۳۹۶، ص ۷۷)

قواعد منصوبه قواعدی هستند که به طور کامل از نصوص شرعی گرفته شده اند؛ مانند قواعد نفی ضرر، ید و تسلیط که به نام «قواعد منصوبه» یا «مصرّحه» خوانده می‌شوند. قواعد اصطیادیه، قواعدی هستند که هرچند در متون شرعی منصوب نیستند؛ اما، به نصوص شرعی یا دیگر ادله فقهی مستند می‌باشند؛ مانند قاعده «ما یضمن بصحیحه، یضمن بفاسده» که فقیهان با ملاحظه موارد متعدّد و اتخاذ وحدت ملاک آن را استخراج کرده اند. برای نمونه، فقیهان پس از بررسی احکام و مصادیق بیع و دیگر معاملات ملاحظه نموده اند، همان گونه که در بیع صحیح ضمان وجود دارد، بیع فاسد نیز ضمان آور است. تفاوت قواعد اصطیادیه با قواعد مصرّحه در قابلیت یا عدم قابلیت تمسک به اطلاق آن است؛ زیرا، در قواعد مصرّحه می‌توان به اطلاق نصّ قاعده تمسک نمود؛ اما، در قواعد اصطیادیه چنین اطلاقی وجود ندارد و بایستی در تطبیق آن، به قدر متیقّن مواردی بسنده نمود که همه فقیهان بر آن اتفاق نظر دارند. (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۶، ص ۷۷)

۳-۱. معنای لغوی و اصطلاحی «أفضل» در حدیث

واژه «أفضل» از ریشه فضل، در لغت اسم تفضیل بوده و در معانی درجه، رفعت (فراهمی، بی تا، ج ۳، ص ۳۸۵) و درجه رفیع در فضل (ابن درید، بی تا، ج ۲، ص ۹۰۷) به کار رفته است. بر پایه تصریح راغب اصفهانی، معنای اصلی فضل (بیشی و زیاده) می باشد که گاهی قابل ستایش است و گاهی قابل ستایش نیست. (راغب، ۱۴۱۲، ص ۳۹۵) در فقه فضیلت به معنای برتری یک عمل بر عمل دیگر از نظر اجر و پاداش الهی (استحباب)؛ نه الزام شرعی به کار رفته است. (حرعاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۳۷۵)

۴-۱. معنای لغوی و اصطلاحی «أعمال» در حدیث

مهم ترین پرسش در تبیین معنای حدیث، دانستن گستره واژه «أعمال» است. مراد عموم اعمال است یا از آن اراده خصوص شده است؟ ظاهراً مراد مطلق اعمال نیست؛ بلکه آن دسته از اعمالی است که انسان را به سوی کمال می برند و غایت کمال به قرینه أفضل دانسته می شود. (ایجی، بی تا، ج ۸، ص ۲۸۵؛ رضائزاد، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۸۹۷؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ق ک، ص ۳۶۰؛ کاشانی، فتح الله، ۱۴۲۳ق، ج ۴، ص ۲۹۰؛ مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۱۲، ص ۹۱) بنابراین، مراد از اعمال، طاعات و عبادات است که در سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام، مصداق أفضل ابزارهای توسل می باشد. (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۲۸۹) از دیگر سو، گزاره «أفضل العبادات أحمزها» در مصادری آمده است که معنای اعمال را به عبادات انصراف می دهد. (مجلسی دوم، ۱۴۱۰ق، ج ۷۹، ص ۲۲۸) همچنین، به قرینه استناد فقیهان به حدیث «أفضل الأعمال أحمزها» در ابواب عبادات، دانسته می شود قدر متیقن از واژه اعمال، عبادات است.

۵-۱. معنای لغوی و اصطلاحی «أحمز» در حدیث

واژه «أحمز» از ریشه حمز، اسم تفضیل بر وزن أفعل می باشد که در لغت به أشق، أشد، أقوى و أمتن معنی شده است؛ اما، بیشتر اهل لغت معنای «أشق» را برای آن برگزیده اند. (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۸۷۵؛ حمیری، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۱۵۸۲؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۱۶) ظاهراً واژه «أحمز» در حدیث نیز به معنای «أشق»، همسان فارسی دشوارتر، سخت تر، رنج آورتر و مرارت بارتر به کار برده شده است؛ (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل واژه مشقت) همان گونه که بسیاری به معنای أشق برای واژه أحمز تصریح نموده اند. (حسینی شیرازی، ۱۴۱۳ق، ص ۱۷۷؛ شریف کاشانی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۶۱؛ صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۳۷؛ طباطبایی یزدی، بی تا، ص ۲۷۵؛ کاشانی، حبیب الله، ۱۳۸۳، ص ۲۶۲) باید توجه داشت که مراد حمازت و مشقت ذاتی است؛ یعنی، کاری که ذاتاً سختی و دشواری به همراه دارد. (حسینی شیرازی، سید محمد، ۱۴۱۳ق، ص ۱۷۷؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۲۸۶)

۲. واکاوی سند و مفاد حدیث «أفضل الأعمال أحمزها»

نخست راوی و سند حدیث بیان شده و سپس مفهوم برگزیده گزاره تبیین شده است.

۲-۱. سند حدیث

این حدیث در بسیاری از منابع روایی امامیه و غیر امامیه نقل شده است. برخی راوی این حدیث را ابن عباس دانسته اند. (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۸۷۵؛ حمیری، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۱۵۸۲؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۱۶) هرچند سند حدیث «أفضل الأعمال أحمزها» مرسل و مرفوع است؛ (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۷۶؛ کاشانی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۳۸۱) اما، در شهرت و معروفیت حدیث تردیدی نیست و بسیاری به آن تصریح نموده اند. (اشکوری، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۱۷۹؛ بهاءالدین عاملی، ۱۳۹۰ق، ص ۱۳۲؛ جرجانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۴۲؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۳، ص ۱۹؛ مجلسی اول، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۸۹؛ مجلسی دوم، ۱۴۱۰ق، ج ۷۹، ص ۲۲۸) حتی برخی بر آن ادعای تواتر نموده اند. (کاشانی، بی تا، ج ۱، ص ۳۷۶) در هر روی، ضعف سندی با شهرت عملی قابل جبران است؛ زیرا، بسیاری از فقیهان امامیه هنگام اثبات استحباب عبادات شاق به آن استناد نموده اند. (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۱۲۰؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۶، ص ۶؛ بهبهانی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۲۹۴؛ جرجانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۴۲؛ سبزواری، ۱۲۴۷ق، ج ۲، ص ۶۵۵؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۷۰؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۲۶۲؛ مجلسی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۸۹؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۲۶۵؛ هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۴۴۳)

۲-۲. دلالت حدیث

در باره دلالت حدیث یادشده، دو دیدگاه اصلی یا دست کم دو وجه وجود دارد:

یکم: برخی به قول مطلق قائل شده اند هرگاه میان دو یا چند کار، یکی از آنها سخت تر باشد، همان افضل است؛ خواه همگی از یک گونه باشند، خواه نباشند. (حسینی شیرازی، ۱۴۲۱ق، ج ۱۱، ص ۸)

دوم: مجلسیین و برخی دیگر بر این باورند که مراد از افضل هر گروهی از گونه های اعمال، احمز آن گونه است؛ مثلاً در میان روزه در طول سال، روزه در تابستان یا گرما و در میان وضو و غسل، وضو و غسل در زمستان یا سرما سخت تر و افضل است. (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۶، ص ۶؛ بهاءالدین عاملی، بی تا، ص ۴۵ و ۱۳۹۰ق، ص ۲۶۰؛ مجلسی اول، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۴۰ و ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۸۹؛ مجلسی دوم، ۱۴۱۰ق، ج ۷۹، ص ۲۲۸ و ۱۴۰۴ق، ج ۷، ص ۱۰۵)

البته برخی در جایگاه تبیین مفهوم این حدیث، به حدیث «أفضل الأعمال، ما أكرهت عليه نفسك» استناد نموده اند. (مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۱۲، ص ۹۱؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۳۲۳) این گونه که برترین کارهای انسان کارهایی است که او ذاتاً از آنها به سبب دشواری کراهت دارد. از این رو، ناخوش داشتن کاری می تواند از مصادیق سختی و دشواری و افضل باشد.

دیدگاه برگزیده: به نظر می رسد همان گونه که بیشتر شارحان حدیث «أفضل الأعمال أحزمها» بر آن شده اند مراد از افضل، آن دسته از عباداتی است که در قیاس با دیگر گونه های خود و نه دیگر عبادات، با تحمل دشواری بیشتری انجام شده است و شارع برای تلاش بیشتر انسانی که در پی نزدیک شدن به ذات اقدس الهی است، ارزش قائل است. به دیگر سخن، اندازه سختی در هر یک از عبادات کلی مشکک و دارای مراتب ضعیف و قوی است؛ در حقیقت اقوی مراتب از لحاظ سختی آن عبادات ویژه، افضل مراتبش است.

بنابراین، از آن جایی هر یک از عبادات، تابع مصالح نفس الامریه هستند و شارع از هر یک مقصد ویژه ای را دنبال می کند و دلیلی مگر ظن، در دست نیست که فلان عبادت بر دیگر عبادت به سبب سختی بیشتر برتری دارد، چنین مقایسه ای درست نبوده و از انسان های عادی بعید است؛ چه رسد به شارع حکیم! از این رو، مناسب تر آن است که حدیث بر دیدگاه دوم حمل شود.

۲-۳. ملاک کثرت ثواب در حدیث

در این که حدیث «أفضل الأعمال أحزمها» اندازه ثواب را تابعی از چه می داند، سه دیدگاه وجود دارد که در این بخش آورده شده است:

یکم: مشهور فقیهان به استناد حدیث گفته اند که ثواب با دشواری نسبت مستقیم دارد. به دیگر سخن، هرچقدر دشواری مکلف بیشتر باشد، ثواب دریافتی او نیز بیشتر و در پی آن به پروردگار نزدیک تر می شود. (آملی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۲۷۳؛ بجنوردی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۰۴؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۲۴۵؛ شهید ثانی، ۱۴۲۰ق، ص ۲۹؛ عاملی، حسین، بی تا، ص ۲۸؛ نهاوندی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۳۵؛ یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۴۱۰) این نکته را برخی کاشف از تأکید حسن و مصلحت می دانند. (آشتیانی، ۱۴۲۵ق، ص ۲۳۴)

دوم: صدرالدین شیرازی ملاک اصلی در ترتب ثواب و بسیاری آن را دواعی و قصود ممثّل بیان نموده است و در واقع آن را بر دشواری خلوص نیت حمل می کند. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۳۸)

سوم: برخی از معاصران، ملاک استعداد و عمل را در تبیین تابع به کار گرفته است. از این رو، برترین اعمال هر فرد متفاوت است و دشواری عمل نسبت به استعداد هر کس سنجیده می شود. هر اندازه توان شخص بیشتر باشد، انتظار از او بیشتر است و بالعکس. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۲۶۰) آلوسی نیز برای تبیین این معنی، در قالب یک

نمونه موانع استعداد عمل را نیز مطرح می‌نماید که صدقه از شخص بخیل ارزشمندتر از صدقه شخص سخاوتمند است. (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۴۳)

دیدگاه برگزیده: بیان مشهور و دو بیان دیگر درباره حدیث با هم منافاتی ندارند و از این رو، به نظر می‌رسد ظاهراً می‌توان جمع همه این بیانات را پذیرفت. این گونه که هر اندازه بار سختی بیشتر بر دوش ممثل باشد، ثواب عمل وی بیشتر است. خواه سختی از بابت خالص نمودن انگیزه و حسن فاعلی باشد؛ خواه از رهگذر امتثال و حسن فعلی. البته باید در نظر داشت که اندازه سختی خالص نمودن نیت و امتثال فعل، وابسته به چهار متغیر احوال، اشخاص، ازمه و امکانه می‌باشد و با گوناگونی هر یک، گوناگون می‌شود.

۴-۲. مقایسه نیت و عمل از حیث دشواری

سه دیدگاه در بیان نسبت میان نیت و عمل: از رهگذر اندازه دشواری وجود دارد؛

یکم: گروهی خالص نمودن نیت را از امتثال عمل سخت‌تر دانسته‌اند؛ از آن رهگذر که نیت خالص متوقف بر خالی کردن قلب از دوستی دنیا و کندن آن از هر گونه گرایش به سوی غیر خداست و این کار سخت‌ترین چیزها برای نفس است. از این رو، در برخی اخبار، نیت نسبت به عمل بهتر دانسته شده است. نتیجه آن که نیت اَشَق می‌باشد و از این رو، افضل است. (مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۸، ص ۵۰)

دوم: گروهی عمل را از نیت سخت‌تر دانسته‌اند. چرا که نیاز به تلاش، کوشش و به کارگیری نیرو و توان جسمانی دارد و از این رو، چگونه می‌توان نیت را از عمل سخت‌تر دانست؟ این نکته صراحت در برتری عمل دارد. (شریف کاشانی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۶۱)

سوم: گروهی از پایه نیت و عمل را دو چیز گوناگون دانسته‌اند و از این رو، بر این باور هستند که میان اخبار دال بر برتری نیت و این حدیث هیچ گونه منافاتی وجود ندارد. (بحرانی، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۱۲۲)

دیدگاه برگزیده: ظاهراً به نظر می‌رسد دیدگاه سوم مناسب‌تر باشد؛ بدین معنی که این حدیث از پایه در جایگاه بیان ارزش آن دسته از عباداتی است که در قیاس با گونه‌های آسان خود، سختی بیشتری را بر فاعل بار نموده‌اند و از آن جایی که در دایره رفتار توان بیشتری در امتثال آن‌ها به کار رفته، نمود بیشتری دارند. این نکته به هیچ وجه به معنای مهم نبودن نیت نیست؛ چرا که عمل و نیت دو چیز گوناگون بوده و هر دو مهم می‌باشند؛ اما، دست کم از این حدیث نمی‌توان مهم بودن یکی بر دیگری را برداشت نمود.

۳. قاعده انگاری حدیث

۳-۱. انطباق ویژگی‌های قاعده فقهی بر «أفضل الأعمال أحمرها»

برای پاسخ دادن به این پرسش که «أفضل الأعمال أحمرها» می‌تواند قاعده‌ای فقهی تلقی شود یا خیر؟ باید ویژگی‌های قواعد فقهی و انطباق یا عدم انطباق آن‌ها با «أفضل الأعمال أحمرها» مورد بررسی قرار گیرد. چنان که گذشت قاعده فقهی ویژگی‌های سه‌گانه‌ای دارد که در این بخش انطباق و چگونگی انطباق آن‌ها با «أفضل الأعمال أحمرها» مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱-۱. کلی بودن

قاعده فقهی، حکمی کلی است که به لحاظ اصناف آن کلیت دارد. این صنف‌پذیری گاه به لحاظ موضوع می‌باشد؛ مانند قاعده ید که در اصناف اموالی که تحت ید قرار می‌گیرد، جاری می‌شود و موضوع آن گسترده است و ممکن است موضوع آن خانه یا مغازه یا هر مال دیگری باشد. گاه گستردگی آن به لحاظ حکم است؛ مانند قاعده «تیمم المیت بمنزلة الحي» که احکام تیمم فرد زنده را برای تیمم میت اثبات می‌کند و بیان می‌دارد همه احکامی که تیمم یک فرد زنده دارد، تیمم میت نیز دارد.

بر پایه این ویژگی که کلیت به لحاظ تعدد اصناف است، به نظر می‌رسد این خصوصیت در مورد «أفضل الأعمال أحمرها» قابل انطباق باشد؛ زیرا، در ابواب مختلف فقهی از تفضیل اعمالی که دشواری بیشتری دارند، سخن به میان آمده است، چنان که در مبحث نذر گفته شده است که نذر روزه در مکانی خاص به دلیل آن که روزه در برخی مکان‌ها نسبت به دیگر مکان‌ها دشوارتر است، جایز و لازم الاجراء می‌باشد. (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۱، ص ۳۵) همچنین، در باب حج گذشته از برتر دانستن حج با پای پیاده نسبت به حج سواره، (جرجانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۴۲) در عرفات دعا خواندن به صورت ایستاده، بر دعا خواندن به صورت نشسته برتر دانسته شده است. (عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۷، ص ۴۱۵)

۳-۱-۲. تعارض با ادله احکام

از جمله ویژگی‌های قاعده فقهی آن است که با ادله احکام اصطکاک و تعارض داشته باشد؛ یعنی، میان قاعده فقهی و ادله احکام تعارض غیر مستقر وجود دارد. به شکلی که لازم می‌آید میان آن و ادله احکام جمع شود. مانند این که وجوب

مقدمه وضو برای نماز که با تیمم معارضت دارد. این گونه که ادله احکام اولیه وضو را واجب می‌دانند و با ادله نفی حرج که تیمم را لازم می‌داند، اصطکاک دارد. (قابل، ۱۳۹۰، صص ۸۸ و ۸۹)

این ویژگی قاعده فقهی نیز بر «أفضل الأعمال أحزمها» قابل انطباق است؛ زیرا، برای نمونه ادله وجوب حج و اجزای آن، میان گونه‌های مختلف حج و اجزای آن تفاوتی را نمی‌بیند؛ لذا، با «أفضل الأعمال أحزمها» که برخی از اقسام را برتر می‌داند، اصطکاک دارد.

۳-۱-۳. امضای شارع

بر پایه این ویژگی، قاعده فقهی باید به وسیله دلیلی شرعی از کتاب، سنت، اجماع یا عقل یاری و پشتیبانی شود. این ویژگی نیز با عنوان «أفضل الأعمال أحزمها» انطباق دارد؛ زیرا، برای اثبات به ادله شرعی استناد شده است.

۳-۲. دلیل‌های چهارگانه قاعده «أفضل الأعمال أحزمها»

به نظر می‌رسد شیخ عبدالصمد بهایی نخستین فقیه‌ای باشد که از آن به قاعده تعبیر نموده باشد؛ چنان که گفته است: «غالباً زیاد یا اندک بودن ثواب عمل تابع مشقت داشتن عمل یا آسان بودن آن است؛ به دلیل قول معصومان (ع) «أفضل الأعمال أحزمها»؛ بر پایه قواعد مذهب ما و مذهب معتزله این امر با عدل و حکمت خداوند سازگار است. تنها مواردی از این قاعده مستثنی می‌شوند که درباره آن‌ها نص خاصی وارد شده است؛ مانند آن که دو عمل (از حیث مشقت و آسانی) مساوی باشند؛ اما، یکی از آن‌ها برتر از دیگری باشد، مانند تکبیرة الاحرام که در مقایسه با دیگر تکبیرهای واجب افضل است و نیز مانند نماز در دو مسجد که فاصله یکسانی با نمازگزار دارند و یکی از آن‌ها جماعت نمازگزار بیشتری دارد.» (عاملی، بی تا، ص ۲۸) از فقیهان معاصر، صدر از حدیث «أفضل الأعمال أحزمها» با عنوان قاعده و قانون یاد نموده است. (صدر، ۱۴۱۷ق، ج ۲، صص ۲۳۰ و ۲۳۲) برای اثبات این قاعده می‌توان به ادله پیش رو استناد نمود.

۳-۲-۱. کتاب

به استناد آیات بسیاری از قرآن مجید، بردباری و ورزیدن در برابر امثال فرامین و طاعات دشوار الهی، مسلماً مستوجب پاداش بزرگ خداوند است. ﴿الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ﴾ (آل عمران: ۱۷۲)؛ «آن‌ها که دعوت خدا و پیامبر را، پس از آن همه جراحاتی که به ایشان رسید، اجابت کردند؛ (و هنوز

زخم‌های میدان احد التیام نیافته بود، به سوی میدان «حمرء الاسد» حرکت نمودند؛ برای کسانی از آن‌ها که نیکی کردند و تقوا پیش گرفتند، پاداش بزرگی است.»

مستند به آیه یادشده، اندازه پاداش و ستایش خداوند از رفتار انسان، با دشواری‌های خالصانه الهی که انسان تحمل می‌کند، نسبت مستقیم دارد. (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۵۲؛ هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳، ج ۱۶، ص ۱۱۶) آیه شریفه حاکی از آن است کسانی که پس از جهاد نخست و جراحت برداشتن و متحمل سختی‌های فراوان شدن، بی آن که استراحت کنند یا زخم‌هایشان التیام یابد، به جهاد دیگر رفته اند. این جهاد دوم و حرکت دوباره به میدان کارزار پیش از بازسازی جسمانی ایشان، مصداقی روشن از عمل دشوار به شمار می‌آید و خداوند در بخش پایانی آیه، با آوردن «أَجْرٌ عَظِيمٌ» افضلیت کار ایشان را به نسبت جهاد نخست اثبات نموده است. از این رو، استناد به عموم آن، برای اثبات استحسان و مطلوبیت تحمل شداید و افضلیت دشواری‌ها و سختی‌ها کافی است.

۲-۲-۳. سنت

مهم‌ترین مستند نقلی قاعده، حدیث نبوی مشهور «أفضل الأعمال أحمرها» می‌باشد که سند و دلالت آن در بخش‌های پیشین تبیین شد. علامه مجلسی بر شهرت این حدیث تصریح نموده است. (مجلسی دوم، ۱۴۰۴ق، ج ۱۵، ص ۹) افزون بر حدیث مزبور حدیث «أفضل الأعمال ما أكرهت نفسك عليه» (مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۱۲، ص ۹۱؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۳۲۳) نیز می‌تواند مستند قاعده یادشده قرار بگیرد؛ زیرا، نفس انسان ذاتاً از کارهایی که مشقت بیشتری دارند، ناخوشی دارد و به کارهای آسان‌تر گرایش بیشتری نشان می‌دهد. از سویی، افضل دانستن این گونه کارها که روایت به آن تصریح دارد، نشانگر آن است که انجام کارهای عبادی با دشواری بیشتر، نزد شارع از مطلوبیت ویژه‌ای برخوردارند. در باره سند حدیث یادشده باید گفت، گذشته از آن که حدیث در نهج البلاغه (صالح، ۱۴۱۴ق، ص ۵۱۱) از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده؛ اما، در کتب اربعه آورده نشده است. از سویی، در کتاب‌های دیگر از پایه برای آن سندی ذکر نشده است (بهاءالدین عاملی، بی تا، ص ۴۵) تا بتوان راویان آن را مورد بررسی قرار داد. بلکه آن را با تعبیر فعل مجهول «يُؤَى» یا «يُروى» نقل نموده اند (مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۸، ص ۶۰؛ مجلسی دوم، ۱۴۰۴ق، ج ۸، ص ۹۴) که اشعار به ضعف و ارسال دارد. همچنین، پذیرش مدلول آن را معلق به فرض صحت سند آن نموده اند (مجلسی اول، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۴۰؛ مجلسی دوم، ۱۴۰۴ق، ج ۷، ص ۱۰۵) که برخاسته از تردید ایشان در درستی سند آن است.

همانند حدیث یادشده، در برخی مصادر حدیثی آمده است: «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ مَا أُكْرِهْتُ عَلَيْهِ النَّفْسُ» (شهید ثانی، بی تا، ص ۴۲؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۹۷؛ محمودی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۰، ص ۲۵۰) بهترین کارها آن‌هایی هستند که انجام آن‌ها برای نفوس ناخوشایند است. حدیث یادشده که از پیامبر گرامی و امیرالمؤمنین صلوات الله علیهما نقل شده است، فاقد سند می‌باشد. از سویی برخی آن را فاقد اصل و سخن عمرو بن عبدالعزیز دانسته اند. (معرفت و دیگران، ۱۴۲۹ق،

ج ۴، ص ۲۰۴) و از این رو بررسی راویان آن نیز امکان ندارد. با این حال علمای امامیه حدیث پیشین و مانند آن را در برخی کتاب‌های خود ذکر نموده اند. (مازندرانی، ۱۳۸۲ ش، ج ۸، ص ۲۷۲؛ لثی واسطی، ۱۳۷۶ ش، ص ۱۳۰) در فرض نادیده گرفتن ضعف سند حدیث مزبور، با توجه به شباهت معنای آن با حدیث پیشین چگونگی دلالت آن بر قاعده «أفضل الأعمال أحمرها» روشن است.

شیخ صدوق در من لا یحضره الفقیه، بیان نموده است که احمد بن اسحاق بن سعد به نقل از عبدالله بن میمون گفته اند که امام صادق علیه السلام، از پدرشان امام باقر علیه السلام نقل فرموده اند که «فَاصْبِرْ فَإِنَّ فِي الصَّبْرِ عَلَى مَا تَكْرَهُ خَيْرًا كَثِيرًا». (صدوق، ۱۴۱۳ ق، ج ۴، ص ۴۱۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۵، ص ۲۶۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ ق، ج ۲۶، ص ۱۶۱؛ مجلسی اول، ۱۴۰۶ ق، ج ۱۳، ص ۲۱۷؛ ورام، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۶۳) روایت را احمد بن اسحاق بن سعد به نقل از عبدالله بن میمون از امام صادق علیه السلام و ایشان از پدرشان امام باقر علیه السلام نقل نموده و بیان شده است که احمد بن اسحاق بن سعد و عبدالله بن میمون هر دو ثقة هستند. (ابن داود، ۱۳۸۳، ص ۲۱۴؛ حائری مازندرانی، ۱۴۱۶ ق، ج ۴، ص ۲۴۶؛ طوسی، ۱۴۲۷ ق، ص ۳۹۷؛ مجلسی اول، ۱۴۰۶ ق، ج ۱۳، ص ۲۱۶) بنابراین، می‌توان از آن به عنوان مؤیدی برای قاعده «أفضل الأعمال أحمرها» یاری گرفت. صبر در برابر کارهایی که برای انسان ناخوشایند است، از مصادیق معروف به شمار آمده است. (حسینی روحانی، بی تا، ج ۱، ص ۴۸۴) بدیهی است صبر در برابر انجام اعمال عبادی دشوار یکی از مصادیق معروف است.

۳-۲-۳. عقل

در چگونگی این دلیل باید گفت که هیچ گونه مانع عقلی بر سر راه پذیرش برتری عبادت مکلفی که برای امتثال آن رنج بیشتری کشیده است، وجود ندارد. (موسوی تهرانی، ۱۳۸۸، ص ۳۹۰) بلکه در این جا حکم عقل با حکم شرع مطابقت داشته و مبنای پاداش‌دهی را اندازه سختی و دشواری ممثل می‌داند. (انصاری، بی تا، ج ۲، ص ۵۳۶؛ نجفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۷، ص ۲۱۶) این گونه که رنج انسان در راستای نزدیک شدن به خداوند که اندازه تلاش وی را نشان می‌دهد، بیهوده نیست و خداوند به پاس تلاش انسان برای آن رنج پاداش در نظر می‌گیرد. از این رو، در جایگاه قاعده‌انگاری حدیث یادشده، می‌توان به حکم عقل نیز استناد نمود.

۴. مستثنیات قاعده «أفضل الأعمال أحمرها»

باید گفت همان گونه که برخی حدیث «أفضل الأعمال أحمرها» را قضیه‌ای مهمله دانسته و کلیت آن را نپذیرفته اند، (طباطبایی یزدی، بی تا، ص ۲۷۵؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۱۶) این قاعده نیز همانند بسیاری دیگر از قواعد فقهی، مواردی را در بر نمی‌گیرد که در این راستا، پژوهش به چهار مورد آن‌ها دست یافته است.

۱-۴. صحیحہ قدسی ابان بن تغلب

مستند به صحیحہ قدسی ابان بن تغلب که در کتاب الکافی نقل شده و مورد اتفاق فریقین است، «وَمَا يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ عَبْدٌ مِنْ عِبَادِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ»؛ «و بنده ای از بندگانم به چیزی دوست داشتنی تر نزد من از آنچه بر وی واجب کرده ام، به من نزدیک نشده است». (بستی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۵۸؛ بیهقی، ۱۴۲۴ق، ج ۳، ص ۴۸۲؛ متقی هندی، ۱۹۸۹م، ج ۷، ص ۷۷۰؛ بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۸، ص ۱۰۵؛ کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۷۳؛ مجلسی اول، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰، ص ۳۸۹) بهاءالدین عاملی قاعده تفضیل واجب بر مستحب را مستفاد از این صحیحہ دانسته است. (بهاءالدین عاملی، ۱۳۹۰ق، ص ۲۶۰) البته بعید نیست همان گونه که برخی بیان نموده اند، کلیت قاعده برتری واجبات بر مستحبات نیز گاهی تخصیص خورده باشد. مانند جواب سلام که واجب است؛ اما، ثواب آن از ثواب خود سلام که مستحب می باشد، کمتر است. (مجلسی اول، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۸۱)

از جمله دیگر مواردی که شاید از قاعده تفضیل واجب بر مستحب استثناء شده باشد، عبارت اند از: ۱. ابراء از دین با آن که مستحب می باشد، بر انظار (مهلت دادن به مدیون) که واجب است، مقدم می باشد. ۲. نمازی که با جماعت اعاده می شود، (مستحب) بر نمازی که قبلاً خوانده شده (واجب) مقدم است، هر چند که موارد مزبور و مانند آنها قابل مناقشه اند. (بهاءالدین عاملی، ۱۳۹۰ق، ص ۲۶۰)

از این رو، هرگاه دو عمل متساوی یکی واجب و دیگری مستحب باشد؛ مانند، تکبیرة الاحرام واجب نماز و دیگر تکبیرهای مستحب نماز، به گواهی عرف و وجدان، واجب مطلقاً از مستحب سخت تر و برتر است؛ زیرا، مکلف اختیار ترک عمل واجب را ندارد؛ حال آن که می تواند عمل مستحب را ترک نماید. بنابراین، ثواب مترتب بر واجبات از ثواب مستحبات بیشتر است؛ اما، چنانچه واجبی باشد که می تواند با تحمل رحمت بیشتر صورت پذیرد یا با زحمت کمتر؛ در فرضی که زحمت بیشتری دارد، ثواب بیشتری هم خواهد داشت. (بهاءالدین عاملی، بی تا، ص ۲۸)

به دیگر سخن، از آن جایی که ترک واجب عقوبت و کیفر اخروی دارد و باید با رعایت شرایط و کیفیت خاصی انجام شود، شاید از نظر روانی مکلف در حالت تردید قرار بگیرد که آن واجب با شرایط یا کیفیت لازم انجام نشده است و لذا خود را مستحق عقوبت اخروی بداند؛ اما، در ترک مستحب چنین حالت روانی وجود ندارد؛ زیرا، ترک آن عقوبت اخروی ندارد و تنها موجب از دست دادن ثواب است. این امر مؤید آن است که انجام واجبات نسبت به انجام مستحبات از نظر روحی نیز مشقت بیشتری دارد.

شاید بتوان گفت که مفهوم حدیث «أفضل الأعمال أحرها» آن است که از هر نوعی از اعمال (واجب یا مستحب) سخت تر آن بر موردی که آسان تر است، برتری دارد؛ یعنی، در بین کارهای واجب نوع سخت تر آن ها بر نوع آسان تر آن ها مقدم است. چنان که برخی از فقیهان گفته اند در اعمال حج و قوف در عرفات به صورت ایستاده (پیاده) بر وقوف

در آن به صورت سواره افضل است. (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۱۷۱؛ مجلسی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۸۹؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۲۶۵) همچنین، در مستحبات نوع سخت مستحبات بر نوع آسان تر آن‌ها افضل می‌باشد، چنان که تصریح شده است که تشییع جنازه به صورت پیاده بر تشییع جنازه به صورت سواره افضل است. (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۷، ص ۲۷۰)

۲-۴. برخی روایات دال بر ثواب بسیار

مواردی در روایات موجود است که برای برخی اعمال خاص ثواب بسیاری در نظر گرفته شده است؛ حال آن که شاید برای انجام آن‌ها زحمت بسیاری مصروف نشود. این موارد در واقع عموم قاعده یادشده را تخصیص زده اند. مانند ثواب تسبیحات حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها که از هزار نماز مستحبی برتر دانسته شده است یا فضیلت گریه بر مصائب حضرت سید الشهداء علیه السلام؛ در حالی که زحمت ظاهری هزار نماز بیشتر است. (خواجه‌ی مازندرانی، ۱۴۱۸ق، ص ۲۱۸؛ عاملی، حسین، بی تا، ص ۲۸)

۳-۴. اثبات حرمت

جایی که حرمت دشواری ثابت شود، یقیناً از شمول این قاعده خارج است (ایوان کیفی، ۱۴۲۹ق، ص ۵۰۴) بنابراین، هرگاه ضرر داشتن عملی محرز شود، دیگر نمی‌توان گفت آن عمل همچنان مستحب و مطلوب است و عموم قاعده آن را فرا می‌گیرد؛ برای نمونه هرگاه روزه برای بانوی بارداری یا جنین وی ضرر قطعی داشته باشد و او با این حال روزه بگیرد، نمی‌توان گفت شایسته گرفتن پاداش الهی خواهد بود.

۴-۴. زوال خشوع و ایجاد ضعف

اگر امتثال عبادت دشوار به دلیل ایجاد رنجش در بدن، خشوع را از میان ببرد یا موجب ضعف در امتثال شود، التزام به مطلوبیت آن از رهگذر قاعده پیش رو مشکل است. (سبزواری، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۶۵۵؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۷۱؛ عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۷، ص ۴۱۵) بنابراین، شاید بتوان جاری نمودن قاعده یادشده را مشروط به عدم این دو مورد دانست.

۵. جایگاه قاعده «أفضل الأعمال أحمرها» در برداشت‌های فقهی

بر پایه یافته‌های پژوهش، در سه جایگاه به این قاعده استناد شده است که در این بخش، جداگانه به هر یک از آن‌ها پرداخته می‌شود.

۵-۱. افضلیت عبادات دشوار

بیشترین کاربرد قاعده «أفضل الأعمال أحمرها» در اثبات افضلیت عبادات دشوار است. این گونه که هرگاه عبادتی بتواند به شیوه‌ای آسان‌تر انجام شود؛ اما، مکلف برای نزدیک شدن به ذات باری تعالی راه دشوارتر را برگزیند، سزاوار ستایش و پاداش بیشتر است. این دیدگاه ظاهراً اجماعی است یا دست کم مخالفی برابر آن دیده نشده است. فقیهان در بسیاری عبادات به ویژه ابوابی همچون حج و صیام با استناد به حدیث، افضلیت گونه‌های دشوارتر اثبات نموده اند. (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۱۲۰؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۱، ص ۳۵۰ و ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۷۰؛ علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۱۷۱ و ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۲۶۴) حتی برخی به اشکال مقدر پیرامون سند حدیث پاسخ داده اند که در ادله سنن تسامح می‌شود. (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۷۶)

افضلیت عمل دشوار هم در فرض وجوب عمل و هم در فرض استحباب آن قابل تصور است. چنان که با وجود وجوب رمی جمرات، برخی با استناد به حدیث «أفضل الأعمال أحمرها» استحباب رمی جمرات به صورت سواره را نتیجه گرفته اند. (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۱۷۱) همچنین، برخی با وجود استحباب تشیع جنازه، به استناد حدیث مزبور تشیع به صورت ایستاده را افضل دانسته اند. (نجفی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۵۴۲)

شهید ثانی عبارتی را از محقق حلی پیرامون نذر روزه در شهری خاص نقل کرده است که بر پایه آن شیخ طوسی گفته است ناذر می‌تواند در هر شهری که بخواهد روزه بگیرد و وفای به نذر کند. محقق حلی در ایراد به دیدگاه مزبور، آن را مورد تردید دانسته است. شهید ثانی در تأیید دیدگاه محقق حلی اشاره نموده است از آنجا که روزه در برخی مکان‌ها دشوارتر است، مستند به «أفضل الأعمال أحمرها» باید در همان جایی که نذر کرده است، روزه بگیرد. (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۱، ص ۳۵۰)

این امر نشانگر آن است که میان دشوار بودن عمل و افضلیت انجام آن ملازمه است. از سویی، برخی از فقها همچون علامه حلی پیرامون وقوف در عرفه گفته اند وقوف در عرفه به شکل ایستاده، نشسته، سواره و پیاده کفایت می‌کند؛ اما، با این حال بهتر است که به سبب سخت‌تر بودن وقوف به صورت ایستاده، مستند به حدیث «أفضل الأعمال أحمرها» وقوف را به صورت ایستاده انجام دهند. (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۱۷۱)

بر پایه این دیدگاه، با توجه به کفایت شکل‌های گوناگون وقوف در عرفه، میان انجام عمل دشوار و افضلیت آن ملازمه است. مقایسه مثال محقق حلی و علامه حلی نشان می‌دهد که افضلیت عمل دشوار ممکن است به گونه وجوب باشد؛ مانند مثال شهید ثانی و ممکن است به صورت استحباب باشد؛ مانند مثال علامه حلی. مثال رمی جمرات به

صورت ایستاده افضلیت به شکل استحباب نشان می‌دهد. از سویی، با وجود استحباب اصل تشیع جنازه، افضلیت تشیع به صورت ایستاده نتیجه گرفته شده است.

بنابراین، تلاش بیشتری که در راستای انجام عمل، خواه واجب و خواه مستحب صورت پذیرد و انسان تلاشگر در پی آن متحمل دشواری و سختی شود، با ثبوت استحباب ملازمه دارد. این گونه که مکلف افزون بر اتیان مطلوب مولی، چیزی افزون بر آن نیز آورده و احسان نموده است و پاداش آوردن زیادتى بر مطلوب مولی نیز احسان مولی است که پروردگار آن را با ثواب بیشتر جبران می‌نماید. (شهید ثانی، ۱۴۲۰ق، ص ۲۹) حال این ثواب بیشتر که معلول تلاش، دشواری و سختی بیشتر می‌باشد، واجب است یا مستحب؟ پاسخ مستحب بودن آن است؛ چرا که مکلف در تحمل شداید و ترک آن‌ها مخیر است و این معنی چیزی مگر استحباب نیست که آن را ثواب داشتن برای فاعل و عقاب نداشتن برای تارک دانسته‌اند. (هلال، ۱۴۲۴ق، ص ۳۳۶)

۲-۵. استحباب مقدمات واجبات نفسی

این نکته بیشتر در کتاب‌های اصول فقه دیده شده است؛ مبنی بر این که هرگاه برای عملی که واجب نفسی به شمار آید و واجب غیری نباشد، مقدمات بسیاری وجود داشته باشد، مکلف برای انجام این مقدمات بسیار، قطعاً درخور پاداش است؛ چرا که برای انجام آن واجب به سختی و دشواری افتاده است و شارع مستند به حدیث «أفضل الأعمال أحزها» مزد تلاش‌هایش را خواهد داد. (ایروانی، علی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۳۵۱؛ حسینی میلانی، ۱۴۲۸ق، ج ۳، ص ۴۵؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۳۰ق، ج ۲، ص ۱۰۴؛ صدر، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۳۲؛ مظفر، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۶۸) برای نمونه حج واجب نفسی است و پیش از آغاز مناسک آن ناگزیر از انجام مقدمات بسیاری همانند ثبت نام، فراهم آوردن زاد و توشه، سفر از وطن تا میقات و پیگیری اموری دیگر است. حال با عدالت الهی سازگار نیست که این همه سختی و تلاش بی پاداش بماند.

۳-۵. صحت عبادات دشوار

در واقع اختلاف اصلی فقیهان امامیه در این مسأله، برای پاسخ به این پرسش است که حدیث «أفضل الأعمال أحزها» می‌تواند حکم شرعی صحت را برای اعمال عبادی دشوار ثابت نماید؟ فقیهان امامیه دو دسته پاسخ داده‌اند؛ برخی از ایشان عبادات حرجی را باطل دانسته (خوانساری، ۱۳۷۳ق، ص ۲۱۷) و گروهی دیگر عبادات حرجی را صحیح دانسته‌اند. (یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۵۰۰) از این رهگذر که با وجود حدیث یادشده، مقتضی برای صحت عبادات دشوار وجود دارد و تنها مانع پیش روی صحت آن‌ها، قاعده نفی حرج یا قاعده نفی ضرر است، نسبت میان حدیث و هر یک

از این دو قاعده جداگانه سنجیده شده است. البته این تفکیک برخاسته از آن است که گاه دشواری به مرتبه حرج می‌رسد و گاه از آن فراتر رفته و مستلزم ضرر است.

۱-۳-۵. نسبت سنجی قاعده «أفضل الأعمال أحمرها» با قاعده نفی حرج

در میان قواعد فقهی، قاعده مورد بحث با قاعده نفی حرج بیش‌ترین ارتباط را دارد که در این بخش به نسبت سنجی مفهوم، موضوع حکم و مرفوع هر یک از این دو قاعده پرداخته شده است.

لغناً «أحمر» به معنای شاق، همسان سختی (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۸۷۵؛ حمیری، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۱۵۸۲؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۱۶) و «حرج» به معنای ضیق، همسان تنگی (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۲۳۳؛ جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۰۵؛ قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۱۱۷) می‌باشد. البته گاهی نیز این دو واژه مرادف با یکدیگر به کار رفته اند. (واسطی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۲۴۶) روی هم رفته این دو واژه معنای لغوی نزدیکی با یکدیگر دارند، هر دو واژه بیانگر سختی و دشواری است و نمی‌توان تفاوت زیادی را میان این دو قائل شد. بنابراین، متبادر از این دو واژه، آن گونه دشواری است انسان می‌تواند از پس آن برآید؛ اما، شدید است. (ایروانی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۷۵)

میان این دو قاعده به دو شیوه جمع شده است:

یکم: برخی بر آنند تا با بیان خروج موضوعی ادله نفی حرج از عموم حدیث «أفضل الأعمال أحمرها»، میان این دو جمع نمایند. (حسینی شیرازی، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۲۴۶) این گونه که ادله نفی حرج در جایگاه اثبات نبود واجبات مستلزم حرج در شریعت هستند؛ حال آن که حدیث ارزش و برتری افعال حرجی را ثابت می‌کند و استحباب عبادات حرجی از آن قابل برداشت است.

دوم: راه دیگر، دست یازیدن به خروج حکمی حدیث «أفضل الأعمال أحمرها» از ادله نفی حرج و جمع عرفی میان این دو است. (حسینی شیرازی، ۱۴۲۱ق، ج ۱۱، ص ۸) به دیگر سخن، اصل نبود حرج در شریعت است و حدیث به سبب داشتن مصلحت الهی، این اصل را تخصیص زده است.

دیدگاه برگزیده: خواه حدیث «أفضل الأعمال أحمرها» از ادله نفی حرج خروج موضوعی داشته باشد و خواه آن را تخصیص بزند، در عمل تفاوت چندانی نخواهد داشت؛ چرا که قاعده نفی حرج در جایگاه امتنان شارع بر بندگان می‌باشد و از رهگذر امتنان، وجوب فعل حرجی را برداشته است. از این رو، انجام فعل حرجی صحیح و به استناد حدیث یادشده مطلوبیت دارد. (بجنوردی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۳۷۶؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۶۷؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۵ق، ص ۱۶۱؛ مشکینی، بی تا، ص ۴۱۲)

بنابراین، آن چه که حکم آن از گردن مکلف برداشته شده است، وجوب فعل حرجی است؛ نه جواز آن. (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۴۴۳) از این رو، نظر به دلالت حدیث «أفضل الأعمال أحمرها»، افضلیت انجام فعل عبادی حرجی

ثابت می‌گردد؛ چرا که حکم شرعی به مجرد وقوع حرج از مطلوبیت خارج نمی‌شود. (بجنوردی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۳۷۶؛ بهبهانی، ۱۴۲۴ق، ج ۷، ص ۵۰۵؛ خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۵، ص ۱۵۶؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۶۷؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۵ق، ص ۱۶۱) بلکه تنها حکم تکلیفی وجوب این گونه است که از رهگذر امتنان الهی برداشته می‌شود. بنابراین، حکم وضعی صحت فعل حرجی به دلیل وجود رجحان و ملاک حکم ثابت باقی خواهد ماند. (ایروانی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۱۸۱) بنابراین، هرگاه عموم مطلوبیت و استحباب فعل حرجی عبادی پذیرفته شود، دیگر تفاوتی ندارد که فعل حرجی کدام یک از عبادات باشد و در هر روی افضلیت آن ثابت است.

در چگونگی مطلوب و افضلیت انجام فعل عبادی حرجی، همچون وضو یا غسل حرجی باید گفت گرچه تکلیف مکلف تیمم است؛ اما، گویا مکلف میان دو تکلیف یکی حرجی (وضو و غسل) و دیگری آسان (تیمم) روبه‌روست و مخیر است هر یک را بخواهد، انجام دهد. انتخاب فعل حرجی (وضو و غسل) اشکالی ندارد و نماز با آن صحیح است. گروهی از فقها به این دیدگاه که از آن به عنوان «دیدگاه ترخیص» تعبیر می‌شود، گرایش دارند؛ در برابر این دیدگاه، گروهی از فقها بر این باورند که انجام فعل حرجی (وضو یا غسل) کفایت نمی‌کند و مکلف تنها با یک تکلیف که تیمم باشد مواجه است، از این دیدگاه به عنوان «دیدگاه عزیمت» تعبیر می‌شود. (ایروانی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۱۷۹)

۲-۳-۵. نسبت سنجی قاعده «أفضل الأعمال أحزمها» با قاعده نفی ضرر

در تبیین نسبت قاعده با قاعده نفی ضرر، میان فقیهان سه دیدگاه اصلی وجود دارد که در این بخش به هر یک پرداخته شده است.

یکم: برخی عبادت ضرری را از پایه باطل می‌دانند و به باور ایشان فعل حرجی، اصلاً ضرری نیست تا قاعده «أفضل الأعمال أحزمها» شامل آن نشود. (مشکینی، بی تا، ص ۴۱۲)

دوم: به باور برخی، عبادت ضرری هم امری مطلوب است. مستند ایشان ظهور ملاک مطلوبیت در آن، سیره معصومان علیهم السلام بر اخذ فعل شاق؛ هرچند که ضرری باشد و نیز عموم حدیث «أفضل الأعمال أحزمها» است. (حسینی شیرازی، سید صادق، ۱۴۲۷ق، ج ۵، ص ۱۰۷؛ حسینی شیرازی، سید محمد، ۱۴۱۳ق، ص ۱۷۷)

سوم: مطلوبیت عبادت ضرری محل تأمل است و اگر ادله نفی ضرر موجود نبود، شاید ضرر با پاداش قابل جبران بود. (انصاری، بی تا، ج ۲، ص ۵۳۶؛ ایروانی، علی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۳۵۱) یعنی، این گونه است که ادله نفی ضرر بر ادله انجبار سختی تحمل شده بندگان با ثواب شارع، وارد هستند.

دیدگاه برگزیده: نظر به تبادر و وجدان تفاوت لغوی میان ضرر و حرج که نخستین به معنای نقص و دومین به معنای مشقت شدید می‌باشد و این مطلب که قاعده لاضرر هم نافی صحت حکم ضرری و هم ناهی از آن و مثبت حرمت باشد و نمی‌توان با عبادت نهی شده به درگاه باری تعالی نزدیک شد، پس، فعل ضرری باطل و مبعد است.

همچنین، ملاک فعل حرجی با ملاک موجود در فعل ضرری با هم متفاوت است و قیاس ضرر به حرج درست نیست. (بهمن پوری و صابری، ۱۳۹۱، ص ۹) همچنین، سیره معصومان در تمسک به فعل ضرری ثابت نیست؛ افزون بر آن که شاید فعل ایشان از احکام مشترک میان معصومان و غیر معصومان نباشد. از سویی، قدر متیقن از حکم مرفوع با قاعده نفی حرج، حکم وجوب می باشد؛ نه جواز و مطلوبیت فعل حرجی.

۳-۵. کاربردهای فقهی قاعده «أفضل الأعمال أحمرها»

قاعده «أفضل الأعمال أحمرها» در گستره عبادات کاربرد دارد و کاربرستی از آن در دیگر ابواب فقهی دیده نشده است؛ به دیگر سخن، آن دسته از کارهای انسان که با دشواری به پایان می رسند، آن گاه ارزشمند خواهند بود که با انگیزه نزدیک شدن به ذات باری تعالی امثال شوند. (بجنوردی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۰۴) از این رو، دیگر رفتارهای انسان از قبیل احکام و معاملات، چنانچه با انگیزه یادشده همراه نباشد، حتی اگر سختی بسیار هم داشته باشد، مشمول قاعده نشده و بر امثال آن ها ثوابی بار نمی گردد. در مسائلی همچون اعمال عبادی زیر با استناد به قاعده یادشده، برای دشواری این عبادات استحباب و ثواب بیشتری اثبات شده است.

بیشترین استناد به قاعده، در حج می باشد که برای اثبات استحباب حج پیاده، (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۱۲۰؛ اشکوری، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۱۷۹؛ جرجانی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۴۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۷۰؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۲۶۵) وقوف ایستاده در عرفه، (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۱۷۱ و ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۲۴۶) رمی جمرات در حالت پیاده، (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۲۴۶) و در دیگر ابواب برای اثبات استحباب روزه در برخی مکان ها به دلیل سختی، (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۱، ص ۳۵۰) تشیع پیاده پیکرهای مسلمانان، (علامه حلی، ۱۴۱۲، ج ۷، ص ۲۷۰) نماز مستحبی در حالت ایستاده، (بهبهانی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۲۹۴؛ عاملی، محمد، ۱۴۱۱، ج ۷، ص ۴۱۵) اعمال سخت عبادات برای بیماران؛ مانند سجود، (خویی، ۱۴۱۸، ج ۱۵، ص ۱۵۶) نذور دارای دشواری در انجام، (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۶۷) شب زنده داری (اشکوری، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۶۱۴؛ کاشانی، حبيب الله، ۱۳۸۳، ص ۲۶۲) به آن استناد شده است.

نتیجه گیری

۱. علی رغم ایراد خدشه در سند حدیث نبوی مشهور «أفضل الأعمال أحمرها»، شهرت عملی دارد و این گونه ضعف آن جبران می شود. همچنین، برای اثبات استحباب عبادات دشوار و ترتب ثواب مقدمات واجبات نفسی به آن قابل استناد است.

۲. نظر به وجود نمونه‌های بسیاری از آیات قرآن مجید، دلالت حدیث یادشده، حکم عقل به ارزشمندی و نکویی امثال اعمال دشوار برخاسته از تلاش و عدم خلاف در مسئله، می‌توان «أفضل الأعمال أحزمها» را یک قاعده فقهی اتفاقی دانست.

۳. قاعده نفی حرج در جایگاه امتنان شارع مقدس بر بندگان و برداشتن حکم تکلیفی وجوب فعل حرجی و رخصت ترک آن می‌باشد؛ اما، به استناد حدیث یادشده، حکم وضعی صحت و بلکه مطلوبیت امثال فعل حرجی همچنان باقی است.

۴. عموم قاعده «أفضل الأعمال أحزمها» اثبات استحباب بر افعال ضرری را در بر نمی‌گیرد و در واقع ادله قاعده نفی ضرر بر آن وارد هستند؛ چرا که عبادت ضرری منفی و منهی شارع می‌باشد، اثبات استحباب آن مشکل است.

۵. قاعده «أفضل الأعمال أحزمها» در ابواب گوناگون عبادات کاربرد دارد و بیانگر مطلوبیت عبادتی است که می‌توانست به شیوه‌ای آسان‌تر امثال شود؛ اما، مکلف راه دشوارتر آن را برگزیده است و در فرض نرسیدن به اندازه ضرر، مطلوب است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

نهج البلاغه. صبحی صالح، (۱۴۱۴ق). بی‌جا. قم: هجرت.

آشتیانی، میرزا محمدحسن بن جعفر. (۱۴۲۵ق). الرسائل التسع. ج ۱. قم: رهبر.

آلوسی، محمود بن عبدالله. (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. ج ۱. بیروت: دار الکتب العلمیة.

آملی، حیدر بن علی. (۱۴۲۲ق). تفسیر المحيط الأعظم و البحر الخضم فی تأویل کتاب الله العزیز المحکم. ج ۳. قم: نور علی نور.

ابن داود، حسن بن علی. (۱۳۸۳). رجال ابن داود. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

ابن درید، محمد بن حسن. (بی‌تا). جمهرة اللغة. ج ۱. بیروت: دارالعلم للملایین.

ابن فارس، احمد بن فارس. (بی‌تا). معجم مقاییس اللغة. ج ۱. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. ج ۳. بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.

اردبیلی، احمد بن محمد. (۱۴۰۳ق). مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان. ج ۱. قم: اسلامی.

اشکوری، محمد بن علی. (۱۳۷۳ش). تفسیر شریف لاهیجی. ج ۱. تهران: داد.

انصاری، مرتضی بن محمد امین. (بی تا). قاعدة لا ضرر و اليد و الصحة و القرعة (فرائد الأصول). ج ۱. قم: اسلامی.

ایچی، عضدالدین عبدالرحمان بن احمد. (بی تا). شرح المواقف. ج ۱. قم: الشریف الرضی.

ایروانی، باقر. (۱۴۲۶ق). دروس تمهیدیه فی القواعد الفقهیه. ج ۳. قم: دار الفقه للطباعة و النشر.

ایروانی، علی. (۱۴۲۲ق). الأصول فی علم الأصول. ج ۱. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

ایوان کیفی، محمدحسین. (۱۴۲۹ق). مشارع الأحکام فی تحقیق مسائل الحلال و الحرام. ج ۱. اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان.

بجنوردی، سید حسن. (۱۳۷۷ش). القواعد الفقهیه. ج ۱. قم: نشر الهادی.

بجنوردی، سید حسن. (۱۳۸۰ش). منتهی الأصول. ج ۱. تهران: مؤسسه عروج.

بجنوردی، سید محمد. (۱۴۰۱ق). قواعد فقهیه. ج ۳. تهران: مؤسسه عروج.

بحرانی، یوسف بن احمد. (۱۴۰۵ق). الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة. ج ۱. قم: اسلامی.

بحرانی، یوسف بن احمد. (۱۴۲۳ق). الدرر النجفیة من الملتقطات الیوسفیة. ج ۱. بیروت: دار المصطفی لإحياء التراث.

بخاری، محمد بن إسماعیل. (۱۴۲۲ق). صحیح البخاری. ریاض: دار طوق النجاة.

برقی، احمد بن محمد. (۱۳۷۱ق). المحاسن. ج ۲. قم: دار الکتب الإسلامیة.

بستی، محمد بن حبان. (۱۴۱۴ق). صحیح ابن حبان. بیروت: مؤسسة الرسالة.

بهاءالدین عاملی، محمد بن حسین. (۱۳۹۰ق). الجبل المتین فی أحكام الدین. ج ۱. قم: کتابفروشی بصیرتی.

بهاءالدین عاملی، محمد بن حسین. (بی تا). مفتاح الفلاح فی عمل الیوم و اللیلة من الواجبات و المستحبات. ج ۱. بیروت: دار الأضواء.

بهبهانی، محمدباقر بن محمد اکمل. (۱۴۱۹ق). الحاشیة علی مدارک الأحکام. ج ۱. قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.

بهبهانی، محمدباقر بن محمد اکمل. (۱۴۲۴ق). مصابیح الظلام. ج ۱. قم: مؤسسة العلامة المجدد الوحید البهبهانی.

بهمن پوری، عبدالله و صابری، حسین. (۱۳۹۱). پژوهشی در صحت انجام فعل حرجی. فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۴۵ (۲). ۱-۱۳.

بیهقی، احمد بن حسین. (۱۴۲۴ق). السنن الکبری. بیروت: دار الکتب العلمیة.

تمیمی آمدی، عبدالواحد. (۱۴۱۰ق). غرر الحکم. بی جا. قم: دار الکتب الاسلامی.

جرجانی، سید امیر ابو الفتح حسینی. (۱۴۰۴ق). تفسیر شاهی. ج ۱. تهران: نوید.

جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۱۰ق). الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربية. ج ۱. بیروت: دار العلم للملایین.

حاتری مازندرانی، محمد. (۱۴۱۶ق). منتهی المقال فی احوال الرجال. ج ۱. قم: مؤسسه آل البيت.

حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة. ج ۱. قم: مؤسسه آل البيت.

حسینی روحانی، سید صادق. (بی تا). منهاج الصالحین. بی جا. بی جا: بی نا.

حسینی شیرازی، سید صادق. (۱۴۲۷ق). بیان الأصول. ج ۱. قم: دار الأنصار.

حسینی شیرازی، سید محمد. (۱۴۱۳ق). الفقه، القواعد الفقهية. ج ۱. بیروت: مؤسسه امام رضا.

حسینی شیرازی، سید محمد. (۱۴۲۱ق). الوصائل الی الرسائل. ج ۲. قم: مؤسسه عاشورا.

حسینی شیرازی، سید محمد. (۱۴۲۸ق). من فقه الزهراء علیها السلام. ج ۱. قم: رشید.

حسینی میلانی، سید علی. (۱۴۲۸ق). تحقیق الأصول. ج ۲. قم: الحقائق.

حمیری، نشوان بن سعید. (۱۴۲۰ق). شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلام. ج ۱. بیروت: دار الفكر المعاصر.

خواجهی مازندرانی، اسماعیل. (۱۴۱۸ق). جامع الشتات (للخواجوی). ج ۱. قم: اسلامی.

خوانساری، موسی. (۱۳۷۳ق). رساله فی قاعدة لا ضرر. ج ۱. تهران: المكتبة المحمدية.

خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۸ق). موسوعة الإمام الخوئي. ج ۱. قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئي.

دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷ش). لغتنامه. ج ۱. تهران: دانشگاه تهران.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ قرآن. ج ۱. بیروت: دار الشاميه.

رضانژاد، غلامحسین. (۱۳۸۳ش). تمهید المبانی یا تفسیر کبیر بر سوره سبع المثانی. ج ۱. تهران: الزهرا.

سبزواری، سید عبدالأعلى. (۱۴۱۳ق). مهذب الأحكام (للسبزواری). ج ۴. قم: مؤسسه المنار.

سبزواری، محمدباقر بن محمد مؤمن. (۱۲۴۷ق). ذخيرة المعاد فی شرح الإرشاد. ج ۱. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

شریف کاشانی، ملا حبیب الله. (۱۴۰۴ق). مستقصى مدارك القواعد. ج ۱. قم: علمیه.

شهید اول، محمد بن مکی. (۱۴۳۰ق). الدروس الشرعية فی فقه الإمامیه. ج ۲. قم: مکتب الاعلام الاسلامي فی الحوزة العلمية.

شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۳ق). مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام. ج ۱. قم: مؤسسه المعارف الإسلامية.

شهيد ثانی، زين الدين بن علی. (۱۴۱۰ق). الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية (المحشى - كلاتر). ج ۱. قم: کتابفروشی داوری.

شهيد ثانی، زين الدين بن علی. (۱۴۲۰ق). المقاصد العلية في شرح الرسالة الألفية. ج ۱. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

شهيد ثانی، زين الدين بن علی. (بی تا). مسکن الفؤاد عند فقد الاحبة و الاولاد. قم: بصیرتی.

صافی گلپایگانی، لطف الله. (۱۴۲۳ق). فقه الحج (للصافي). ج ۲. قم: مؤسسه حضرت معصومه سلام الله عليها.

صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۶۶ش). تفسیر القرآن الکریم. ج ۱. قم: بیدار.

صدر، سید محمدباقر. (۱۴۱۷ق). بحوث في علم الأصول. ج ۳. قم: مؤسسة دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.

صدوق، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق). من لا يحضره الفقيه. ج ۲. قم: اسلامی.

طباطبائی یزدی، سید محمدباقر. (بی تا). وسیلة الوسائل في شرح الرسائل. ج ۱. قم: بی نا.

طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۷۵ش). مجمع البحرين. ج ۳. تهران: مرتضوی.

طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۲۷ق). رجال الطوسی. ج ۳. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

عاملی، حسین بن عبدالصمد. (بی تا). العقد الحسني - الرسالة الوسواسية. ج ۱. یزد: گلبهار.

عاملی، سید محمد بن علی. (۱۴۱۱ق). مدارك الأحكام في شرح عبادات شرائع الإسلام. ج ۱. بیروت: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

عبداللهی، عبدالکریم. (۱۳۸۸ش). قواعدی از فقه. ج ۱. قم: بوستان کتاب.

علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۲ق). منتهی المطلب في تحقیق المذهب. ج ۱. مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.

علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۳ق). كشف المراد في شرح تجريد الاعتقاد. ج ۱. قم: اسلامی.

علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۳ق). مختلف الشيعة في أحكام الشريعة. ج ۲. قم: اسلامی.

علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۴ق). تذكرة الفقهاء (ط - الحديث). ج ۱. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

فاضل لنکرانی، محمد. (۱۴۲۵ق). ثلاث رسائل (للفاضل). ج ۱. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.

فاضل لنکرانی، محمد. (۱۴۳۰ق). دراسات في الأصول. ج ۱. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.

فاضل لنکرانی، محمدجواد. (۱۳۸۳ش). القواعد الفقهية. ج ۲. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.

فاضل لنکرانی، محمدجواد. (۱۳۹۶ش). قاعده میسور. ج ۱. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.

- فاضل هندی، محمد بن حسن. (۱۴۱۶ق). كشف الثام و الإبهام عن قواعد الأحكام. ج ۱. قم: اسلامی.
- فراهدی، خلیل بن احمد. (بی تا). کتاب العین. ج ۲. قم: نشر هجرت.
- فیض کاشانی، محمد محسن. (۱۴۰۶ق). الوافی. ج ۱. اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علیه السلام.
- قابل، هادی. (۱۳۹۰ش). قاعده عدالت و نفی ظلم. ج ۱. قم: انتشارات فقه الثقلین.
- قرائتی، محسن. (۱۳۸۸ش). تفسیر نور. ج ۱. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرشی، سید علی اکبر. (۱۴۱۲ق). قاموس قرآن. ج ۶. تهران: دار الکتب الإسلامية.
- کاشانی، حبیب‌الله بن علی مدد. (۱۳۸۳ش). بوارق القهر فی تفسیر سوره الدهر. ج ۱. تهران: شمس الضحی.
- کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله. (۱۴۲۳ق). زبدة التفاسیر. ج ۱. قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
- کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله. (بی تا). منهج الصادقین فی إلزام المخالفین. ج ۱. تهران: اسلامی.
- کاشف الغطاء، جعفر بن خضر. (۱۴۲۲ق). كشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء (ط - الحديثة). ج ۱. قم: اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۹ق). الکافی. ج ۱. قم: دار الحديث للطباعة و النشر.
- کهن‌ترابی، میثم. (۱۴۰۳). اعتبارسنجی و نقد کارکردهای حدیث «أفضل الأعمال أحمرها» در منابع فریقین. پژوهشنامه قرآن و حدیث، ۳۴ (۱)، ۲۵-۴۵.
- لیثی واسطی، علی بن محمد. (۱۳۷۶ش). عیون الحکم و المواقظ. بی جا. قم: دار الحديث.
- مازندرانی، محمد صالح. (۱۳۸۲ش). شرح الکافی. ج ۱. تهران: المكتبة الإسلامية.
- متقی هندی، علی بن حسام‌الدین. (۱۹۸۹م). کنز العمال فی سنن الاقوال و الأفعال. بیروت: مؤسسة الرسالة.
- مجلسی اول، محمدتقی. (۱۴۰۶ق). روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه. ج ۲. قم: کوشانپور.
- مجلسی اول، محمدتقی. (۱۴۱۴ق). لوامع صاحبقرانی. ج ۲. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- مجلسی دوم، محمدباقر. (۱۴۰۴ق). مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول. ج ۲. تهران: دار الکتب الإسلامية.
- مجلسی دوم، محمدباقر. (۱۴۱۰ق). بحار الأنوار. ج ۱. بیروت: مؤسسة الطبع و النشر.
- محمودی، محمدباقر. (۱۴۱۸ق). نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه. ج ۱. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مشکینی، میرزا علی. (بی تا). مصطلحات الفقه. بی جا: بی نا.
- مظفر، محمدرضا. (۱۳۷۵ش). أصول الفقه. ج ۵. قم: اسماعیلیان.
- معرفت، محمدهادی؛ رستم‌نژاد، مهدی. (۱۴۲۹ق). التفسیر الاثری الجامع. ج ۱. قم: مؤسسه انتشاراتی التمهید.

- مغنيه، محمدجواد. (۱۴۲۴ق). التفسير الكاشف. ج ۱. قم: دار الكتاب الإسلامي.
- مكارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۰ش). القواعد الفقهية. ج ۳. قم: مدرسة الإمام علی بن ابی طالب.
- مكارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۸ق). انوار الأصول. ج ۲. قم: مدرسة الإمام علی بن ابی طالب.
- موسوی، صمدعلی. (۱۳۹۲ش). القواعد الفقهية في كتاب تفصيل الشريعة. ج ۱. قم: مركز فقهی ائمه اطهار.
- موسوی تهرانی، رسول. (۱۳۸۸ش). الوسائل الى غوامض الرسائل. ج ۱. قم: محلاتی.
- میرجلیلی، علی محمد؛ محمدآبادی، فاطمه. (۱۳۹۶ش). «معیار حقیقی شناخت افضل اعمال از منظر روایات» دومین کنفرانس بین المللی مطالعات اجتماعی فرهنگی و پژوهش دینی، رشت.
- نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام في شرح شرائع الإسلام. ج ۷. بیروت: دار إحياء التراث العربي.
- نجفی، محمدحسن. (۱۴۲۱ق). جواهر الکلام فی ثوبه الجديد. ج ۱. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی.
- نقی زاده، حسن؛ کرمی، فاطمه. (۱۳۹۱ش). روایات تفضیل در اصول الکافی، هم سازگار یا ناسازگار، فصلنامه علوم حدیث. ۱۷ (۶۴)، ۵۷-۸۹.
- نهاوندی، محمد. (۱۳۸۶ش). نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن. ج ۱. قم: مؤسسة البعثة، مركز الطباعة و النشر.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر. (۱۳۸۳ش). فرهنگ قرآن. ج ۲. قم: بوستان کتاب.
- هلال، هیثم. (۱۴۲۴ق). معجم مصطلحات الأصول. ج ۱. بیروت: دار الجیل.
- واسطی، سید محمد مرتضی حسینی. (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس. ج ۱. بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع.
- ورام، مسعود بن عیسی. (۱۴۱۰ق). مجموعة ورام. ج ۱. قم: مكتبة فقيه.
- یزدی طباطبایی، سید محمد کاظم. (۱۴۰۹ق). العروة الوثقی (للسید الیزدی). بیروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات.